



### بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از مسائلی که در بورس و غیر آن مطرح است، بحث از اوراق بهادار مالی است که باید مشروعیت اوراق بهادار مالی که در این زمان در ایران و غیر آن مطرح است، مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه باید دقت داشت که بحث از مشروعیت، نباید منطقه‌ای بوده و به عنوان مثال حلیت خصوص اوراق بهادار مالی در ایران مورد بررسی قرار گیرد، بلکه باید دید که از نظر فقه و اسلام، این امور حلال هستند و یا اینکه شبهات شرعی دارد؟

### بررسی مشروعیت اوراق قرضه

در حال حاضر اوراق بهادار مالی دارای اقسامی است و چه بسا در آینده اوراق دیگری نیز به وجود بیایند. یکی از اوراق بهادار مالی که چه بسا برای بسیار از افراد واضح است که مشروع نیست، عبارت است از «اوراق قرضه» می‌باشد.

### تعریف اوراق قرضه

اولین مسئله‌ای که در مورد اوراق قرضه باید واضح شود، تعریف اوراق قرضه است.

مفهوم عرفی اوراق قرضه:

قرض گیرنده، ورق و سندی را به عنوان سند بر قرض گرفتن به قرض دهنده می‌دهد تا در زمان سر رسید، برای قرضه دهنده امکان وصول قرض باشد.

مفهوم اصطلاحی اوراق قرضه که در بین حقوق دانان، اقتصاد دانان و کتب قانونی مطرح است:

در قانون تجارت ایران و غیر آن، آمده است که اوراق قرضه، قرض و وام خاصی می‌باشد و قرض و وام مطلق نمی‌باشد، و لذا

در قانون تجارت در ماده ۵۲ چنین آمده است:

ورقه قرضه، ورقه قابل معامله‌ای است که معرف مبلغی وام است با بهره‌ای معین، که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد

معینی باید مسترد گردد.

این تعریف در کتب دیگر نیز به همین صورت و صرفاً با کمی تغییر در تعبیر و به همراه قیود اضافه آمده است.

با روشن شدن مفهوم عرفی و اصطلاحی اوراق قرضه، آشکار شد که بحث ما در مورد مشروعیت اوراق قرضه عرفی نیست،

بلکه بحث از مشروعیت اوراق قرضه اصطلاحی است.

بر اساس تعریف اصطلاحی اوراق قرضه که در قانون تجارت ایران آمده است:

خود اوراق قرضه، قابل معامله هستند و این اوراق، معرف یک چیز مرکب می‌باشد: وام با بهره‌ای معین.

پس وام - قرض - تنها حصه‌ای از اوراق قرضه می‌باشد.

### حقیقت اوراق قرضه

بحث اولیه در مورد «حقیقت اوراق قرضه» است.

آنچه که در بین مردم شایع است و در برخی کتب نیز به آن تصریح کرده‌اند:

حقیقت اوراق قرضه، قرض است و قرض با بهره است، مثل اینکه مالی به دیگر قرض داده شده است و علاوه بر اصل



قرض، سود آن هم گرفته می شود، چه سود آن به صورت یکجا گرفته شود و چه سود آن به تدریج و مثلاً ماهیانه گرفته شود.

همین مطلب در بحث سهام و اوراق مشارکت نیز مطرح است که در تعریف این دو گفته شده است که شخص با دیگران شریک می شود به این صورت که هر کدام از افراد مقداری پول قرار می دهد که در نهایت سهامداران شرکت می شوند که همان تعریف عرفی است و اگر اینگونه باشد، شرکت واقعی و فقهی در اموال می شود.

حال در اینجا نیز اگر حقیقتاً قرض باشد، احکام خاص خود را دارد که ادامه خواهد آمد.

لکن ممکن است ادعا شود که همان طور که سهام در شرکت های سهامی، شرکت فقهی نیست، بلکه ورقه مشارکت - سهم - مفهوم و ماهیت مستقلی دارد که مثلاً خودش مال اعتباری یا حق مستقلی است، «اوراق قرضه» نیز قرض نمی باشند، بلکه خود این اوراق، مالی عرفی است که دارای ارزش است و لذا دولت یا شرکت، قرض نمی گیرد، فلذا هرچند اسم اوراق قرضه، «قرض» می باشد ولی این مطلب صرفاً یک تشابه اسمی است - همان طور که سهام و شرکت سهامی، صرفاً نام «سهم و شرکت» را داشتند ولی حقیقتاً شرکت فقهی نبودند - و در حقیقت ورقه ای بهادار است که عرفاً مال محسوب می شود و اشخاص خود این اوراق را خرید و فروش می کنند و اصلاً بحث قرض دادن و قرض گرفتن نمی باشد، مثلاً در ماده ۵۷ قانون تجارت چنین آمده است: «تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً به مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود...» یعنی بحث از «فروش اوراق قرضه» می باشد و این عنوان مطرح است، کما اینکه در همان ماده ۵۲ آمده است: «ورقه قابل معامله»؛ که همگی نشانگر این هستند که «ورقه» معامله می شود و بر اساس این مطلب، از حقیقت قرض خارج شده ایم و اشخاص یک ورقه بهادار که عرفاً دارای ارزش مالی و قابل خرید و فروش است، از همدیگر خریداری می کنند. به طور مثال یک ورقه ای که دارای ارزش اسمی یک میلیون تومان می باشد، را شخصی به ۸۰۰ هزار تومان می فروشد، در اینجا شرط مبنایی هم این است که فروشنده بعد از یکسال، این ورقه باید از خریدار به مبلغ یک میلیون تومان خریداری نماید؛ و یا اینکه ورقه ای یک میلیونی را به همان ارزش اسمی آن که یک میلیون تومان است، می فروشد و لکن شرط می کند که فروشنده ماهیانه مبلغی را به خریدار پرداخت نماید و در سر رسید نیز فروشنده اولیه، باید از خریدار، این ورقه را به همان مبلغ اسمی آن - یک میلیون تومان - خریداری نماید.

بنابراین اگر حقیقتاً این ها معامله باشد یعنی این اوراق عقلاً و عرفاً یک امر مالی باشد که ارزش و اعتبار پیدا کرده است، فلذا مثل سهام می شوند و شبیه اوراق مشارکت می شود. البته نه اینکه عین اوراق مشارکت بشود، بلکه صرفاً از این جهت شبیه اوراق مشارکت است - فلذا نباید هراسی از اسم «قرض» در اوراق قرضه داشته باشیم، باید بینیم که حقیقت آن چیست؟ زیرا اینگونه نیست که اینجا که اسم «قرض» آمد، پس حقیقتاً قرض است! همانطور که در شرکت نیز با اینکه اسمش «شرکت» بود ولی الزاماً به معنای شراکت فقهی نبود.

پس ملاک اصلی این است که باید بررسی شود که «اوراق قرضه» قرض محسوب می شود - کما اینکه اکثر بلکه همه اقتصاد دانان چنین تعبیر می کنند - که در این صورت قرض ربوی و حرام می شود و یا اینکه حقیقتش قرض نیست.

برای فهم این مطلب باید بررسی کنیم که حقیقت امری که در واقع محقق می شود، چیست؟ آیا شرکت های انتشار دهنده اوراق، این اوراق را به عنوان قرض منتشر می کنند یعنی از مردم قرض می گیرند و ورق ها را به عنوان سند، به مردم



می دهند که در این صورت مسلماً قرض ربوی است.

ولی اگر الان یا در آینده این اوراق، تبدیل به امری مالی شدند و شبیه شرکت های سهامی شدند، در این صورت نمی توان گفت که چون در گذشته این کار قرض ربوی و حرام بوده است، الان نیز حرام است؛ زیرا که در این صورت ماهیت آن تغییر کرده است و دیگر قرض نیست.

بنابراین باید بر اساس هر دو مبنا بحث کنیم و احکام هر کدام را بیان کنیم.

البته در اینجا تقسیم بندی های مفصلی وجود دارد که تاثیر زیادی در مباحث فقهی مرتبط ندارد و لذا ما صرفاً تقسیم بندی تأثیرگذار در حکم فقهی را بیان می کنیم و سپس بر اساس هر دو مبنا - اولاً قرض باشد، ثانیاً امری مالی و قابل خرید و فروش باشد - حکم فقهی هر یک را مشخص می کنیم.

هر چند مباحث مربوط به قرض، در فروش استقراضی به صورت مفصل بیان شده اند، لکن به اختصار در اینجا نیز بیان می کنیم:

### حرمت انتشار اوراق قرضه طبق مبنای قرض بودن

بر مبنای اقتصاددان های قائل به قرض بودن اوراق قرضه، شرکت یا دولت یا هرکسی که ورقه قرضه را منتشر می کند، در واقع از مردم برای تأمین نیازهای خودش قرض می گیرد و در مقابل آن بهره می دهد - چه بهره را ابتدا و یا در انتها یا در بین سال بدهد - در این فرض اوراق قرضه به هر نوعی باشد، حرام است و تمام اقسام اوراق قرضه حرام است اعم از اینکه این اوراق قرضه، بین شرکت های شخصیت های حقوقی باشد و یا بین شخصیت های حقوقی و حقیقی باشد و یا دو طرف اشخاص حقیقی باشند.

### تقسیم اوراق قرضه بر اساس حقیقی یا حقوقی بودن طرفین قرارداد

بنابراین یک تقسیم بندی بر اساس این است که دو طرف قرض، شخص حقیقی هستند یا حقوقی. توضیح مطلب این است که اگر یک دولت، اوراق قرضه منتشر کند و دولت های دیگر به او قرض بدهند و اوراق را بگیرند و یا شرکتی اوراق قرضه منتشر کند و شرکت های دیگر به او قرض بدهند و اوراق را بگیرند، هم خریدار و هم فروشنده، شخصیت حقوقی هستند. در برخی موارد نیز خریدار و فروشنده شخصیت حقیقی هستند: مثلاً بر مبنای کسانی که قائل هستند که سهامداران در شرکت های سهامی، در واقع شریک هستند و اشخاص با یکدیگر شریک هستند، در این صورت وقتی شرکت سهامی اوراق قرضه منتشر می کند و می فروشد، در واقع اشخاص حقیقی قرض ربوی می گیرند که در اینجا وقتی که افراد حقیقی این اوراق را خریداری می کنند، دو طرف قرض ربوی - قرض دهنده و قرض گیرنده - را اشخاص حقیقی تشکیل می دهند.

فرض سوم این است که یک طرف شخصیت حقوقی است و طرف دیگر شخصیت حقیقی است.



## تقسیم اوراق قرضه بر اساس غرض انتشار

تقسیم دیگر عبارت است از اینکه:

شرکت یا دولتی که اوراق قرضه منتشر می‌شود گاهی به خاطر «تولید و استرباح» و گاهی به خاطر تأمین هزینه مصرفی خود است.

## تقسیم بر اساس مسلمان یا غیر مسلمان بودن طرفین قرارداد

تقسیم دیگر این است که یا هر دو مسلمان هستند و گاهی هر دو غیر مسلمان هستند. گاهی نیز بین مسلمان و غیر مسلمان است. به عنوان مثال دولت انگلیس اوراق قرضه منتشر کرده و مسلمانی اقدام به خرید آن از غیرمسلمان کند و این خرید در حالی باشد که دولت شخصیت حقوقی محسوب نشده بلکه شخصیت حقیقی باشد. مثال دیگر اینکه شرکت سهامی در انگلیس که سهامداران غیر مسلمان دارد، اوراق قرضه منتشر کنند و خریداران مسلمان باشند.

## بررسی حکم اوراق قرضه بر اساس تقسیمات مختلف

احکام تقسیمات ذکر شده از نظر فقهی یکسان نیست بلکه با یکدیگر متفاوت هستند که با توجه به این نکته در مورد اوراق قرضه سه وجه قابل ذکر است:

- ۱- اوراق قرضه به نحو کلی حرام است و شامل تمام تقسیمات ذکر شده می‌شود.
- ۲- اوراق قرضه به صورت کلی حلال هستند.
- ۳- در مورد اوراق قرضه تفصیل وجود دارد که به چند صورت تفصیل داده شده است:  
الف: تفصیل بین مسلمان و غیرمسلمان.  
ب: تفصیل بین شخصیت حقوقی و شخصیت حقیقی  
ج: تفصیل بین تولیدی و مصرفی

## تبیین قول به حرمت مطلق اوراق قرضه

وجه اول که به صورت مطلق قائل به حرمت اوراق قرضه شده است، بر مبنای حرمت ربا است که طبق قرض محسوب شدن اوراق قرضه، در مورد حرمت ربا، بین مسلمان و غیرمسلمان و شخصیت حقوقی و حقیقی تفاوتی وجود ندارد. این وجه در بحث فروش استقراضی به صورت مفصل مورد بحث واقع شده است. البته این وجه مبتنی بر این است که تفصیلی که در ادامه مطرح می‌شود، تمام نباشد و یا قول به جواز مطلق تمام نباشد؛ چون اگر تفصیل یا قول به جواز مطلق ثابت شود، قول به حرمت مطلق از بین خواهد رفت؛ چون این قول مبتنی بر این است که ربا به صورت مطلق حرام باشد.

## تبیین قول به جواز مطلق اوراق قرضه

وجه دوم جواز مطلق اوراق قرضه است؛ چون شخصیت حقیقی یا حقوقی مبلغی را به عنوان قرض دریافت می‌کند و از طرف



دیگر در مورد ربا مطرح شده است که «لایکون الربا الا فی ما یکال أو یوزن». در صورتی که پذیرفته شود که حرمت ربا در قرض یا معاملات مشروط به مکیل یا موزون بودن مورد قرض است، اوراق قرضه حلال خواهد شد. البته در مورد اینکه ربا اختصاص به مکیل و موزون داشته باشد، بین فقهاء اختلاف وجود دارد.

اگر پذیرفته شود که ربا اختصاص به مکیل و موزون داشته باشد، در صورتی که اوراق قرضه ارزی منتشر شود، ارائه دهنده اوراق از مشتریان پول دریافت می کند که مکیل و موزون نیست. در نتیجه از نظر صغروی اوراق قرضه غیر از مکیل و موزون است و شامل أدله حرمت ربا نمی شود.

این بحث به صورت مفصل در بحث بیع استقراضی مورد بررسی قرار گرفته است که چند طائفه از روایات وجود دارند که بین مکیل و موزون تفصیل داده اند که به عنوان مثال به دو روایت اشاره می کنیم:

در صحیح زراره نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَكُونُ الرَّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ.<sup>۱</sup>

در موثقه<sup>۲</sup> عبید بن زراره نیز آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا يَكُونُ الرَّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ.

طبق این روایت در صورتی که مکیل و موزون نباشد، اساسا ربا نخواهد بود و لذا لسان نفی ربا را به همراه داشته و اختصاص به معامله هم ندارد. علاوه بر اینکه برخی ربا را اختصاص به ربای قرضی داده و ربای معاملی را اساسا ربا ندانسته اند و بیان کرده اند که اگر اقدام به خرید یک من گندم در مقابل دو من صورت گیرد، اساسا ربا نخواهد بود، اما شارع این نوع معاملات را برای اینکه مردم دچار ربای حقیقی نشوند، حرام کرده است. این مطلب هم اگر ادعا نشود، می توان گفت که روایت مطلق است و بر همه ادله حرمت ربا حکومت خواهد داشت که برای ربا لازم خواهد بود که به صورت مکیل یا موزون باشد.

البته در صورتی که ادعا شود که اجماع وجود دارد که ربا حتی در غیر موارد مکیل و موزون نیز حرام است و این حرمت از مسلمات فقه دانسته شود، می گوئیم که این اجماع و مسلم بودن فقهی موجب می شود که روایت اطلاق نداشته باشد، اما در صورتی که اجماعات مدرکی باشد و حرمت مطلق ربا از مسلمات فقهی نباشد، قابل ذکر است که این روایت دارای لسان حکومت است و در نتیجه ربای قرضی با ارزشهای امروزی مانند دلار و دینار مشکلی نخواهد داشت و بر این اساس انتشار اوراق قرضه اعم از اینکه در کشور اسلامی یا غیر اسلامی باشد، حلال خواهد شد.

البته در ربای قرضی در غیرمکیل و موزون در یک مورد از سوی روایات استثناء شده است که موارد درهم و دینار حقیقی است؛ یعنی دیناری که طلا و درهمی که نقره بوده است و پول واقعی محسوب می شود. لذا در مورد درهم و دینار ربای قرضی حرام خواهد بود، در عین اینکه مکیل و موزون نیستند. این مورد خاص است، اما ارزشهای مختلف مانند ریال، دلار و دینار اسکناسی وجهی برای حرمت نخواهد داشت. در نتیجه طبق این وجه که برای ربا مکیل و موزون بودن لازم است، حتی

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۳۲

<sup>۲</sup> تعبیر به موثقه به جهت ابن فضال و ابن بکیر است.



اگر اوراق قرضه دارای حقیقت قرض باشد، به صورت مطلق حلال خواهد بود و همه دولت ها، شرکت ها و افراد می توانند اوراق قرضه منتشر کنند.

بنابراین وجه حرمت، اطلاعات و عمومات ادله حرمت ربا و وجه جواز مطلق نیز روایاتی است که ربا را اختصاص به موارد مکیل و موزون داده اند در حالی که اوراق قرضه مکیل و موزون نیستند و دارای جواز و حلیت مطلق خواهند بود الا اینکه شرکت یا دولتی خاص، اوراق قرضه به صورت مکیل و موزون صادر کند. به عنوان مثال یک شرکت زراعی اوراق قرضه برای گندم صادر کند و بیان کند که در مقابل هر ورق قرضه برای یک تن گندم، هشتصد کیلو گرم دریافت کند که قرض ربوی مکیل و موزون خواهد بود و قطعا این مورد حرام است. اما در حال حاضر اوراق قرضه که وجود دارد بر اساس ریال، دلار و دینار است که غیرمکیل و موزون هستند. از طرف دیگر اگر بتوان فتوا به جواز قرض ربوی در غیر مکیل و موزون داده شود، در مورد اوراق قرضه نیز به صورت کلی حکم به جواز مطلق خواهد شد.

### تبیین قول به تفصیل بین مسلمان و غیر مسلمان

وجه سوم برای انتشار اوراق قرضه، تفصیل است که تفصیل اول بین مسلمان و غیر مسلمان است؛ یعنی اوراق قرضه که از سوی شرکت ها و دولت های غیر مسلمان صادر می شود، خرید برای مسلمانان جایز خواهد بود. اما در صورتی که شرکت یا دولت مسلمان اقدام به صدور اوراق قرضه کند، بر فروشنده و خریداران حرام خواهد بود.

این تفصیل مبتنی بر تفصیلی است که مورد پذیرش بسیاری از فقهاء قرار گرفته است که گرفتن ربا از غیر مسلمان جایز است، اما ربا دادن جایز نیست. در نتیجه اوراق قرضه که در کشورهای غیر مسلمان منتشر می شود و فروشنده های آنها غیر مسلمان هستند، برای مسلمانان خرید این اوراق جایز خواهد بود.

این تفصیل در بحث فروش استقراضی مورد بررسی قرار گرفته است که از نظر ما ادله این تفصیل تمام نیست و به نظر ما بین مسلمان و غیر مسلمان در حرمت ربا تفاوتی وجود ندارد. در نتیجه اگر در بحث اوراق قرضه، تفصیل بین مکیل و موزون مورد پذیرش قرار نگیرد و قرض ربوی مطلقا حرام باشد، تفصیل بین مسلمان و غیر مسلمان برای ما ثابت نیست. البته برخی از فقهاء قائل شده اند که اخذ ربا از غیر مسلمان جایز است که بر اساس این قول قابل تفصیل است که اوراق قرضه در کشورهای غیر اسلامی که انتشار دهنده هم غیر مسلمان باشند، خرید آنها بلاشکال خواهد بود.

### تبیین تفصیل بین شخصیت حقوقی و شخصیت حقیقی

تفصیل دیگر در مورد انتشار اوراق قرضه، تفصیل بین شخصیت حقوقی و شخصیت حقیقی است که اگر انتشار دهنده و فروشنده شخصیت حقیقی بوده و خریدار نیز شخصیت حقیقی باشد، قرض حرام خواهد بود و خرید و فروش اوراق قرضه نیز حرام خواهد بود. اما در صورتی که شخص حقوقی مانند شرکت یا موسسه باشد و شرکت و موسسه دیگر اقدام به خرید کند، دلیل بر حرمت قرض وجود نخواهد داشت. به عنوان مثال اگر شرکت ایران خودرو اقدام به انتشار اوراق قرضه کرده و شرکت سایپا اقدام به خرید آن کند، اگر ادله حرمت ربا اختصاص به اشخاص حقیقی داشته باشد و شامل اشخاص حقوقی نشود، خرید و فروش اشکال نخواهد داشت.

البته در بحث فروش استقراضی فروض متعددی در اینجا مطرح شده است؛ چون گاهی فروشنده شخصیت حقوقی و خریدار



شخصیت حقیقی است و گاهی برعکس است. شخصیت حقوقی هم متفاوت است. گاهی شخصیت حقوقی سهامی است که بر اساس مبانی در شرکت سهامی نیز متفاوت است. گاهی شخصیت حقوقی غیر سهامی است که این موارد در بحث فروش استقراضی به صورت مفصل مورد بحث واقع شده است و به همین جهت در این بحث مطرح نمی کنیم. اگر این قول اتخاذ شود که ربا در شخصیت حقوقی با اشکالی مواجه نیست، در محل بحث می توان تفصیل بین شخصیت حقوقی و حقیقی قائل شده و قدر متیقن این است که وقتی فروشنده و خریدار شخصیت حقوقی باشند، اشکال نخواهد داشت.

اما به نظر ما تفاوتی بین شخصیت حقیقی و حقوقی وجود ندارد و در همه موارد حتی اگر حرمت تکلیفی در مورد شخصیت حقوقی وجود نداشته باشد، حداقل این است که حکم وضعی بطلان است و کسی مالک زیاده نخواهد شد.

### بررسی انتشار اوراق قرضه از طریق شرکت یا سازمان های دارای مافوق

در اینجا اشاره به نکته ای به عنوان تکمله بحث لازم است که اگر شرکت یا سازمانی اقدام به انتشار اوراق قرضه کرده باشند و خریدار نیز شرکت یا سازمانی باشد که هر دو زیر نظر یک سازمان مافوق هستند، انتشار اوراق قرضه در چنین شرائطی نیازمند بررسی خواهد بود. به عنوان مثال یک شرکت مادر تخصصی وجود داشته باشد که ذیل آن شرکت های تحت مجموعه باشد. در این صورت اگر یکی از شرکت های زیر نظر مجموعه اوراق قرضه منتشر کند و شرکت دیگری که او هم زیر نظر این مجموعه است از آن شرکت اقدام به خرید کند. مثال دیگر این است که دولت دارای وزارت خانه هایی است که همه وزارت خانه ها زیر نظر دولت هستند. با این شرائط وزارت نفت اوراق قرضه منتشر کند و وزارت دارائی خریداری کند. در این صورت طبق این فرض که اوراق قرضه حرام باشد، آیا انتشار اوراق قرضه حرام است؟ در اینجا ممکن است گفته شود که اگرچه طبق ظاهر وزارت نفت مستقل است و وزارت دارائی هم مستقل است و دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند. در این صورت که دو شخصیت حقوقی مستقل هستند، مربوط به بحث حلیت یا حرمت بین دو شخصیت حقوقی خواهد شد. اما در صورتی که هر کدام از وزارت خانه ها به مثابه دست برای یک نفر محاسبه شوند که شخصیت حقوقی دولت است و این وزارت خانه ها اجزای آن هستند، قرض دهنده و قرض گیرنده وجود ندارد بلکه گویا این مبالغ از یک جیب به جیب دیگر منتقل شده است. بنابراین می توان ادعا کرد که حتی اگر ادله حرمت ربا شامل شخصیت های حقوقی هم بشود، ادله حرمت ربا از این موارد که زیر مجموعه یک شخصیت حقوقی هستند، منصرف خواهد بود؛ چون اگرچه در ظاهر متفاوت هستند، اما در واقع جزء دولت هستند و دلیل بر حرمت وجود ندارد و حتی می توان گفت که اساسا عقد و قرضی وجود ندارد بلکه در ظاهر قرض است، اما در حقیقت جا به جایی از طریق یک دست به دست دیگر است.

این هم تکمله ای است که بیان گردید که در مورد شرکت های مادر تخصصی هم قابل بیان است که اگر شرکت های دیگر از شوون همان شرکت باشند، همانند دولت خواهد شد. البته این قضیه خارجی است و در مثال نباید مناقشه کرد. اما در دولت روشن است.

در بانک نیز به همین صورت است که یک شعبه از یک بانک مانند بانک ملی به شعبه دیگر آن قرض دهد که یک بانک وجود دارد که شعبه های زیرمجموعه آن اگر اقدام به قرض به دیگری کند، چه بسا اساسا قرض نباشد و قرض هم باشد، از ادله حرمت ربا خارج خواهد بود. در نتیجه از این جهت هم می توان در مورد شخصیت حقوقی این تفصیل را اشاره کرد که



اگر زیرنظر یک مجموعه باشند، حتی اگر قرض حرام باشد، از این جهت مشکلی وجود نخواهد داشت. تاکنون روشن شد که یک وجه مطلقاً جواز، وجه دیگر مطلقاً حرام و یک وجه نیز تفصیل بین مسلمان و غیر مسلمان است. یک وجه هم بین شخصیت حقیقی و حقوقی است.

### تبیین تفصیل بین اوراق قرضه تولیدی و مصرفی

یک وجه هم این است که بین انتشار اوراق قرضه تولیدی و اوراق قرضه مصرفی تفصیل داده شود. این مطلب در مباحث پیشین به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته است که در صورت پذیرش این تفصیل، اوراق قرضه که برای تولید باشد، بدون اشکال خواهد بود الا اینکه شرکتی ورشکسته شده و هزینه داشته باشد و برای هزینه خود قرض کند. در مورد دولت نیز از قرض برای مصرف داشته باشد حرام خواهد بود، اما اگر انتشار اوراق از سوی دولت برای تولید و انجام پروژه های خود داشته باشد، حرام نخواهد بود که نتیجه این مطلب این است که اوراق قرضه استهلاکی حرام بوده و اوراق قرضه تولیدی حلال خواهد بود.

این مطلب به صورت مفصل در فروش استقراضی مورد بررسی قرار گرفته و روشن گردید که تفاوتی بین قرض تولیدی و مصرفی وجود ندارد و اگر قرض حرام باشد، هر دو قرض حرام خواهد بود. نتیجه این است که اوراق قرضه اگر دارای حقیقت قرض باشد، وجه عدیده پنج گانه مطرح خواهد شد و هر فقیه یا مقلدی باید بر اساس مبنای خاص خود عمل کند.